

بہ نام خدا

سرشناسه: پدرام، ۱۳۳۵-

عنوان و پدیدآور: دلوایسی های جنسی (پدر، مادر و فرزند) / احمد پدرام، محسن معروفی.

مشخصات نشر: اصفهان: ترانه پدرام، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: امور جنسی - آموزش به کودکان

شناسه افزوده: معروفی، محسن، ۱۳۳۹-

رده بندی کنگره: HQ۵۷ / ۴ د ۸ ۱۳۹۴

شماره کتابخانه ملی: ۴۰۶۶۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۸۸-۶-۶

یادداشت: چاپ قبلی: آشیانه برتر، ۱۳۹۲.

موضوع: والدین و کودک

شناسه افزوده: منصور بنی، رقیه، ویراستار

رده بندی دیویی: ۶۴۹/۶۵

دلوایسی های جنسی پدر، مادر و فرزند

نویسندگان: احمد پدرام، محسن معروفی

ویراستار: رقیه منصور بنی

ناشر: ترانه پدرام

نوبت چاپ: نهم

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۷

قطع/ تعداد صفحات: رقعی/ ۱۴۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۸۸-۶-۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه



آدرس: اصفهان، خیابان شیخ صدوق شمالی،

حدفاصل چهارراه نیکبخت و شیخ مفید،

ساختمان سرو، طبقه اول

۰۳۱ - ۳۶ ۶۳ ۷۴۰۲



انتشارات کتاب

دلواپسی‌های جنسی

پدر، مادر، فرزند

دکتر احمد پدرام

دکتر محسن معروفی

فهرست مطالب

به جای پیشگفتار.....	۵
پیشگفتار.....	۸
مقدمه.....	۱۱
تمایلات جنسی و شروع آن.....	۱۳
رشد اجتماعی.....	۱۸
هویت جنسی و نقش‌های جنسیتی.....	۲۳
کنجکاو‌های جنسی و نگرانی‌های پدر و مادر.....	۳۵
کنجکاو‌های کودک و بدآموزی‌های او.....	۴۱
چه موقع باید درباره‌ی بچه‌دار شدن با کودک صحبت کرد؟.....	۴۷
بازی‌های جنسی.....	۵۱
اتاق خواب.....	۵۷
مهمانی‌ها.....	۶۱
اردوها.....	۶۴
شوخی.....	۶۹
تلویزیون و ماهواره و کامپیوتر.....	۷۲
غفلت‌های پدر و مادر.....	۷۷
کودک و خانه‌ی همسایه.....	۸۱
مزاحمت‌های خیابانی و «نه» گفتن به شرایط مشکوک و مبهم.....	۸۷
توصیه‌های پیشگیری از بروز سوءرفتار جنسی در کوچه و خیابان.....	۸۹
توصیه‌های کمک به کودک آسیب دیده از سوءرفتار جنسی.....	۹۴
نگرش نسبت به جنس مخالف.....	۹۷
چگونگی برخورد پدر و مادر با پسر و دختر در خانه.....	۱۰۵
با عشق چه می‌کنیم؟.....	۱۱۱
تمایلات جنسی و لغزش‌ها و کج روی‌های آن.....	۱۱۸
حرف آخر.....	۱۳۵
منابع و مأخذ.....	۱۴۱

به جای پیشگفتار

سال‌ها قبل وقتی فرزندانم ۱۶ ساله و ۱۱ ساله و ۵ ساله بودند در یک سمینار مربوط به هویت که بیش از ۷۰ نفر روان‌پزشک و روان‌شناس و دستیاران روان‌پزشکی و پزشکان عمومی و اینترنت‌ها حضور داشتند از یکی از اساتید که مسئول سمینار بود پرسیدم آقای دکتر آیا می‌توانید به طور شفاف و کاربردی به من بگویید که به عنوان یک پدر برای دو پسر و تنها دخترم سئوالات مربوط به کنجکاوی‌های جنسی، بازی‌های جنسی و هویت جنسی را چگونه پاسخ دهم، به خاطر دارم که بعضی از اساتید در آن جلسه با من هم عقیده شدند که در فرهنگ ما پاسخ‌گویی به این سؤال کاری بسیار دشوار و برای بسیاری از افراد تقریباً ناممکن است و بسیاری از پدر و مادرها تا آن‌جا که ممکن است از رویارویی با این پرسش‌گریزانند. حتی بسیاری از اساتید و صاحب‌نظران نیز به این مقوله با تردید می‌نگرند.

مادری که نگران دوچرخه سواری دخترش می‌باشد یا برای ختنه کردن پسرش دلوآپسی دارد. آن که از بازی فرزندش با همسالان در اتاق در بسته دچار دلهره می‌شود یا از تنها ماندن فرزندش با اشخاص کوچک‌تر و بزرگ‌تر واهمه دارد، همه نشانگر وجود مشکل در زمینه‌ی رشد جنسی و رفتارهای جنسی است و همین سکوت‌ها یا سردرگمی‌های مرموز باعث می‌شود که در بسیاری از اوقات مقوله‌ی رفتار جنسی در

دوران نوجوانی و جوانی به مرحله‌ای برسد که امروز شاهد عواقب آن هستیم. واژه‌ی «امور جنسی» یا «سکس» در بیش‌تر فرهنگ‌ها و مخصوصاً در فرهنگ ما کلماتی هستند که در لایه‌ای از شرم و حیا پوشیده شده و ایجاد کننده‌ی زنگ خطر و یا افکاری پیچیده در قالب فرهنگ، مذهب و خرافات می‌باشند. دیدن این‌گونه واژه‌ها بر روی کتاب‌های پیشخوان یک کتاب‌فروشی موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

وقتی عنوان «دلواپسی‌های جنسی پدر و مادر و فرزند» باشد این هاله پیچیدگی بیش‌تری یافته و نگرانی‌ها و دلواپسی‌های مختلفی را در مادران و پدران نشان می‌دهد که ریشه در همان عوامل بالا و همچنین تجربه‌های وسوسه‌آمیز و تلخ و شیرین گذشته‌ی پدر و مادر دارد.

به راستی ما به عنوان پدر و مادر به این موضوع چگونه فکر می‌کنیم؟ از چه زاویه‌ای به آن می‌نگریم؟ دلواپسی‌هایمان چیست؟ چقدر به گذشته برمی‌گردیم؟ چقدر نگران آینده هستیم؟ به حال چگونه می‌اندیشیم؟ چقدر به جامعه و رسانه‌ها توجه داریم؟ چقدر می‌دانیم و چقدر می‌توانیم خود را با افزایش آگاهی، از چرخه‌ی افکار نگران کننده یا اخبار تکان دهنده‌ی درست و نادرست و مستند و غیرمستند نجات دهیم؟

به راستی تا به حال چقدر توانسته‌ایم نه از سر دلواپسی بلکه از سر بازنگری و واقع‌بینی به موضوع «امور جنسی» و «غریزه‌ی جنسی» و «رفتار جنسی» به عنوان بخشی از وجود انسان که ماهیت زیستی، روانی، اجتماعی و روحی دارد نگاه کنیم، هم دلواپسی‌های خود را ریشه‌یابی نماییم و هم از پدیدآیی هرگونه دلواپسی در فرزندانمان جلوگیری نموده و با آگاهی کافی با موضوع برخورد کنیم و با تقویت یک اخلاق جنسی سالم و زدودن لایه‌های نگرانی از ذهن خود و آنان از هدر دادن انرژی آن‌ها و خود در زمینه‌ی بدآموزی‌ها و کج‌فهمی‌ها بکاهیم. امروز در جهان سکولوژی از پیش‌دستانی تا دانشگاه آموزش داده می‌شود و مربیان و معلمان نیز با آن آشنا می‌شوند.

این‌که امور جنسی به عنوان یک غریزه از دوران بلوغ فعال می‌شود و به عنوان

یک موضوع زیستی، روانی، اجتماعی و روحی مورد بررسی قرار می‌گیرد صحبت آغازین ما نیست. این که این موضوع با واژه‌ی عشق نیز هم‌زیستی و هم‌گرایی‌هایی دارد که در بحث روان‌شناسی عشق‌ورزی و اخلاق جنسی و ادبیات ایران و جهان پایه‌ی پدیدآیی آثار بسیار و بررسی‌های پیچیده‌ای شده است نیز در شرایط کنونی مورد نظر ما نیست. در واقع آن‌چه در شرایط کنونی موجب احساس نیاز در بررسی امور جنسی در کودکان شده، آمیزه‌های ناخوشایند و آزاردهنده از همه‌ی موارد بالا و همچنین ترس‌های مرضی و غیرمرضی و نگرانی‌های به‌جا و بی‌جای پدران و مادران در زمینه‌ی تغییرهای آن‌ها از کنجکاوی‌های جنسی فرزندان خود در سنین قبل از بلوغ است که می‌تواند از پانزده ماهگی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه یابد. همان نگرانی‌هایی که رشد شخصیت، انسجام هویت، رفتار اجتماعی و حتی هنجارهای اجتماعی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

در واقع پاسخ نداشتن برای پرسش‌های کودکان، دلواپسی داشتن در برخورد با کنجکاوی‌های جنسی آنان، بی‌تفاوت نشان دادن خود، ترس‌های غیرمعقول، سرزنش‌ها و تحقیرها، سرکوب‌ها و تنبیه‌ها و یا ترغیب‌های دانسته و ندانسته و بی‌توجهی‌های آگاهانه و ناآگاهانه و بی‌دانشی یا کم‌دانشی و گاه دانش نادرست در همه‌ی موارد بالا می‌تواند به طور جدی باعث بروز گرفتاری عمیقی در فرزندان ما گردد که در سال‌های آینده به صورت بی‌بند و باری جنسی، ناتوانی جنسی، هم‌جنس‌گرایی، گم کردن هویت و نقش جنسی، عدم کامیابی در روابط جنسی و بعضی از گرفتاری‌های دیگر شود که به عنوان موضوعی شناختی، رفتاری، ریشه در همین برخوردهای دوران کودکی دارد. آن‌کس که سوءرفتار جنسی دارد و آن‌کس که مورد سوءرفتار قرار می‌گیرد هر دو نیاز به بررسی و کمک دارند.

چه بسیار افراد تحصیل کرده که علی‌رغم داشتن توانایی‌های علمی و مالی به دلیل وجود زمینه‌های منفی در شناخت خود، در روابط جنسی ناموفق بوده و ماه‌ها و حتی سال‌ها قدرت و جرأت بیان مشکل خود را به درمان‌گران نداشته‌اند.

چه بسیار زوج‌های جوانی که با دیدگاه‌های کاملاً منفی و غالباً توجیه شده به صورت «اخلاق خوب» ساده‌ترین مهارت‌ها را برای همسرگزینی یا ایجاد ارتباط

مناسب با همسر خود و امور زناشویی نداشته که همه‌ی آن ریشه در گذشته دارد و شامل ناآگاهی یا کج‌فهمی‌ها یا بدآموزی‌ها و ترس‌ها و... بوده است.

نیاز به این آگاهی نه فقط برای امروز فرزندان که برای فردای آنان نیز درخور اهمیت است، چرا که فرار از واقعیت رشد جنسی در کودکان و بی‌توجهی به آن یا دادن پاسخ‌های ناآگاهانه به آنان و یا سرکوب و تنبیه، فقط می‌تواند باعث استفاده‌ی آنان از منابعی غیراصولی و نادرست و بدآموزی از همسالان و یا افراد فریب‌کار گردد. در آخر عواقب وخیم سوءاستفاده‌های جنسی و یا مشکلات جنسی موضوعی است که ممکن است تا پایان عمر، فرد مبتلا را گرفتار نماید. از طرفی بلوغ عاطفی و اجتماعی فرد نیز در آینده منوط به پایه‌های صحیح رشد جنسی در کودکی است و درک و ارضاء نیازهای همسر نیز ریشه در همین نکته دارد.

دکتر احمد پدram
متخصص روان‌شناسی



@Ahmad_pedram



Dr. Ahmad_pedram



www.espadana-pedram.org

پیشگفتار

هر جامعه‌ای دغدغه‌ها و دلوایسی‌های خاص خود را دارد و به راستی در جامعه‌ی فعلی ما بهترین لغتی که می‌تواند در کنار مسائل جنسی بیاید همان «دلوایسی» است. دلوایسی‌های جنسی موضوعی است که بسیاری از ما آن را به صورت شوخی مطرح می‌کنیم، یا با سکوت، تعصب‌ورزی، نهی کردن و امر کردن با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. این موضوع اشتغال ذهنی بسیاری از کودکان و جوانان ما است و نگرانی پدرها و مادرها.

فساد، روابط نامشروع، امر به معروف و نهی از منکر، دختربازی، دوست پسر، دختر فراری، مزاحم تلفنی، فیلم سوپر، تیپ زدن و عبارات فراوان دیگری که امروزه رایج است حکایت از نگرانی‌های ماست. نگرانی‌هایی که خاص جامعه‌ی شهری ماست و در جاهای دیگر به صورت دیگر با آن برخورد می‌شود. مثلاً بچه‌های عشایر که هر روز شاهد رابطه‌ی جنسی احشام هستند و زایمان حیوانات و انسان‌ها، جزء زندگی روزانه‌ی آن‌هاست برداشتی متفاوت از مسائل جنسی دارند و مشکلات جنسی آن‌ها متفاوت از جامعه‌ی شهری می‌باشد.

لذا هر جامعه‌ای نیاز به کتاب خاص خود دارد، کتابی که بتواند با ژرف‌اندیشی و تأمل، دغدغه‌های مخاطبینش را درک کند و پاسخی شایسته به آن بدهد. ولی مؤلفین و صاحب‌نظران کم‌تر به سراغ موضوعات جنسی رفته‌اند. این موضوع به

اندازه‌ی قابل توجهی شرم‌آور و دور از ذهن نگه داشته شده است به خصوص در مورد مسائل جنسی کودکان.

حدود یک قرن پیش وقتی فروید مسائل جنسی را در مورد کودکان مطرح کرد همه برآشفته شدند. تصور گناه‌آلود بودن مسائل جنسی و قداست کودکان قابل جمع شدن با هم نبود. هنوز هم در مملکت ما صحبت کردن در این باره سخت است و زیادند پدر و مادرهایی که شرم و حیا به آن‌ها اجازه نمی‌دهد در مورد مسائل جنسی فرزندشان با افراد متخصص مشورت کنند و کم هستند متخصصینی که در این رابطه تجربه‌ی فراوان داشته باشند و به راحتی بتوانند پاسخ‌گو باشند. بسیار خوشحالم که این مهم به دست کسانی انجام شده است که به راستی در زمینه‌ی درمان از دانش‌مندان دانا و باتجربه محسوب می‌شوند و افتخار شاگردی هر دوی آن‌ها نصیب من شده است. قلم شیوای آن‌ها توانسته به خوبی با خواننده ارتباط برقرار کند و تجربه‌ی آن‌ها در برخورد با مشکلات و نگرانی‌های پدر و مادر در مورد مسائل جنسی کودکان، با ظرافت هر چه تمام‌تر در کتاب متجلی شده است به طوری که برای همگان ملموس و قابل درک است.

کتاب دلوایسی‌های جنسی کتابی جامع است که موضوعات زیادی را در بر گرفته همچون روابط جنسی، چگونگی شکل‌گیری هویت جنسی، خودارضایی، چگونگی آگاه کردن کودکان از مسائل جنسی، شرایط پرخطر برای کودکان از نظر جنسی و چگونگی برخورد با این مشکلات. این کتاب هم در زمینه‌ی رفع مشکلات و هم در راستای جلوگیری از به وجود آمدن مشکلات راهکارهای عملی و مؤثر را ارائه کرده است و چنان نگاشته شده که علاوه بر پدرها و مادرها و کسانی که با کودکان سر و کار دارند، افراد متخصص در زمینه‌ی درمان نیز از آن بهره‌ی فراوان خواهند برد و با توجه به محتوای علمی آن که هماهنگ با آخرین دستاوردهای علمی دنیا می‌باشد برای تدریس در دانشکده‌های پزشکی، علوم تربیتی و روان‌شناسی قابل استفاده است.

دکتر محمد مسعود ازهر

فوق تخصص روان‌پزشکی کودک و نوجوان

مقدمه

چند سال پیش وقتی برای اولین بار دیدم پسر م با آلت تناسلی خود بازی می‌کند به سختی توانستم جلوی عصبانی شدن خود را بگیرم، یا زمانی که دخترم در مورد چگونگی به دنیا آوردن بچه‌ها سؤال پرسید، اولین واکنش من، اضطرابی آمیخته با سردرگمی بود و شاید به همین دلیل برای پاسخ، او را به مادرش ارجاع دادم.

مطمئنم که بسیاری از پدران (و مادران) دیگر نیز با چنین صحنه‌ها و پرسش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند و باز اطمینان دارم که واکنش اکثر قریب به اتفاق آنان در این‌گونه مواقع اضطراب، ترس، عصبانیت، خجالت، سردرگمی یا چیزهای دیگری از این قبیل است.

باید بپذیریم آن زمان که اکثر دخترها و پسرها تا شب عروسی اطلاعی از مسائل جنسی نداشتند سپری شده است. با انقلاب ارتباطات و با بودن ابزارهای گوناگون از کتاب و مجله گرفته تا ویدئو و سی‌دی و اینترنت، بسیاری از کودکان و نوجوانان خیلی پیش‌تر از آن‌چه پدران و مادران‌شان انتظار دارند از مسائل جنسی آگاهند ولی متأسفانه اطلاعات خود را از کانون‌های غیراصولی و از منابعی معمولاً نادرست، مثل فیلم‌ها یا سی‌دی‌هایی که به قصد تجارت و منافع مالی به فروش می‌رسند یا در بهترین حالت از همکلاسان خود که آن‌ها هم اطلاعات غلط و نادرستی دارند، کسب کرده‌اند. به همین علت اطلاعاتی که دارند اکثراً مبهم، غلط، غیراصولی و آمیخته با احساساتی مثل ترس، ابهام، وحشت و... است.

علی‌رغم وجود نیاز به آموزش بنیادی و درست مسائل جنسی برای کودکان و

نوجوانان، متأسفانه نه آموزش و پرورش در این زمینه اقدام مؤثری به عمل آورده و نه خود پدر و مادرها در این زمینه آموزشی دیده یا منابع قابل اعتمادی در اختیار دارند.

هرچند به تازگی در برخی کتب درسی دوره‌ی دبیرستان و در بعضی از هفته‌نامه‌های منتشر شده، آموزش‌هایی پیرامون این موضوع به چاپ می‌رسد ولی آن‌ها نیز اکثراً به صورت بسیار خلاصه و غیرشفاف بوده یا برای همه افراد (مخصوصاً کودکان و نوجوانان) قابل استفاده نیستند.

در کتابی که در اختیارتان هست بعضی از مطالب به شکل مبسوط مورد بحث قرار گرفته و از چند نظر قابل توجه می‌باشد:

۱- چون مطالب کتاب بر اساس تجربیات بالینی و مشاهده‌ی عینی تنظیم شده است، نه فقط در آن از مسائل تئوریک خسته کننده خبری نیست، بلکه تلاش این بوده که مطالب کتاب عینی، عملی و کاربردی باشد.

۲- سعی شده است مطالب و راهکارها به استناد آخرین منابع علمی و تحقیقات روان‌شناسی و علوم اجتماعی باشد.

۳- ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و مذهبی جامعه در پرداختن به موضوعات و مسائل جنسی مدنظر قرار گرفته است.

۴- هدف اصلی کتاب، که از عنوان آن هم روشن است، پرداختن به نگرانی‌های پدر و مادر در مورد آموزه‌های جنسی کودکان (و نوجوانان) است که کم‌تر کتابی به شکل جامع و کاربردی برای استفاده عموم در این زمینه وجود داشته است. به نظر می‌رسد از این کتاب بتوان علاوه بر استفاده‌ی عموم برای تدریس در دانشکده‌های پزشکی، علوم تربیتی، علوم انسانی و آموزش و پرورش نیز سود جست.

در پایان امید است همان‌گونه که از عنوان و هدف اصلی کتاب برمی‌آید، پدر و مادرهای عزیز بتوانند با مطالعه‌ی آن بر نگرانی‌های خود در زمینه‌ی آموزش جنسی کودکان‌شان فائق آمده و با اجتناب از درپیش گرفتن راه افراط و تفریط، فرزندانی آگاه و در عین حال صالح را تربیت نمایند.

دکتر محسن معروفی

دانشیار روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

تمایلات جنسی و شروع آن

زلالی گنگ

گنگی زلال

هم با او هم‌زبانی

و هم او را نمی‌فهمی

ا. پ

تمایلات جنسی از آغاز تولد شروع می‌شود. زاییده شدن و مکیدن پستان از اولین تجربه‌های جنسی هر نوزادی به شمار می‌رود و می‌تواند برای او لذت بخش و خوشایند نیز باشد. به نظر می‌رسد پیش از تولد نیز جنین‌های پسر دارای توان نعوظ می‌باشند. این حالت که توسط سونوگرافی قابل تشخیص است بصورت دوره‌ای تکرار می‌شود.

براساس تئوری‌های روان‌کاوانه هدف جنسی در شیرخواران بدست آوردن لذت و کاهش تنش به وسیله‌ی فوری‌ترین روش ممکن است.

کالدرون در سال ۱۹۸۳ ضمن بررسی جنین‌ها از راه سونوگرافی به این نتیجه رسید که قابلیت نعوظ از دوره‌ی جنینی در انسان‌ها وجود دارد، اما نتوانست شواهد دقیق به نفع وجود انقباضات کلیتوریس و لغزنده شدن واژن در جنین‌های دختر پیدا کند.

آلفرد کینزی نیز در پژوهش تاریخی و جالب خود در سال ۱۹۴۸ توانایی ارگاسم را در نوزدان پسر پنج ماهه و نوزادان دختر چهار ماهه به ثبت رساند. او در نتایج پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که مراحل ارگاسم در نوزادان پسر دقیقاً مانند مردان بالغ است به جز این

که نوزادان توانایی انزال ندارند.

به عقیده کینزی تحریک اندام تناسلی نوزادان با فشردن ران‌های او به یکدیگر، تحریک با دست و یا حتی فشرده شدن دستگاه تناسلی به پتو نیز رخ خواهد داد.

بنابر نکته‌های بالا غریزه‌ی جنسی جزء فطریات کودک است که در مرحله‌های گوناگون رشد، نمودهای متفاوتی دارد. موضوع تربیت جنسی در دوره‌ی قبل از رفتن کودک به مدرسه زمینه‌ی پرسش گسترده‌ای را در بردارد که در بخش‌های دیگر به آن خواهیم پرداخت. تئوری‌های علمی روان‌شناختی در مورد تمایلات جنسی با نظر فروید آغاز شد. او منشاء فعالیت‌های روانی انسان را تمایل جنسی معرفی نمود و بعدها با اصلاح تئوری خود، «انرژی زندگی یا لیبیدو» را سرچشمه‌ی فعالیت‌های بشر دانست و تمایل جنسی را مهم‌ترین بخش انرژی حیات بیان نمود.

فروید میل جنسی را در انسان امری طبیعی می‌دانست و آنرا هم ردیف غرایزی چون احساس گرسنگی، تشنگی و یا نیازهایی مثل هوا و آب و غذا و خواب می‌دانست.

مراحل رشد روانی - جنسی:

انرژی روانی یا لیبیدو که مهم‌ترین انرژی آن غریزه‌ی جنسی است در مراحل تحولی خود در نواحی شهوت انگیز سیر می‌کند. روند رشد روانی جنسی از دیدگاه روان‌کاوان به سه دوره‌ی اصلی تقسیم می‌شود.

۱- دوره‌ی قبل از تناسلی: که از تولد تا پنج سالگی است که در سه مرحله تحول می‌یابد.

۲- **دوره‌ی نهفتگی:** که از ۵ سالگی تا بلوغ ادامه دارد.

۳- **دوره‌ی تناسلی:** یا دوره‌ی بلوغ جنسی است که میل جنسی به شکل کامل و نهایی خود بروز می‌کند.

دوره‌ی قبل از تناسلی:

فروید دوره‌ی پیش تناسلی را به سه مرحله‌ی خاص تقسیم نموده است.

در مرحله‌ی اول که آنرا **مرحله‌ی دهانی** می‌گویند و از بدو تولد تا یک‌سالگی را در برمی‌گیرد، بیش‌ترین منبع لذت دهان است و فعالیت‌های لذت بخش بوسیله‌ی دهان و مکیدن انجام می‌شود. توجه به این نکته مهم است که عوامل ژنتیکی و الگوهای بیولوژیک قبل از مکانیسم‌های روانی به‌کار می‌افتند. به عنوان مثال واکنش مکیدن که مهم‌ترین منبع کاهش تنش و احساسات لذت بخش می‌باشد هماهنگ با جریان یافتن شیر از پستان مادر است و در شش روزگی، نوزاد بوی شیر مادر را تشخیص می‌دهد.

از آغاز تولد تا ۷-۶ ماهگی، کودک تابع آن چیزهایی است که وارد دهانش می‌شود، یا از این راه حس می‌کند. از ۸-۷ ماهگی کودک مادر خود را کم‌کم می‌شناسد و یک نوع وابستگی بینایی پیدا می‌کند. علاوه بر این یک وابستگی انفعالی نیز بین مادر و فرزند بوجود می‌آید و جدایی مادر از کودک رنج زیادی در پی خواهد داشت و در صورت تداوم بیش از حد (بیش از ۳ ماه) این جدایی، واکنش واپس روی در کودک ایجاد شده و در صورت عدم جبران آن و ادامه‌ی بیش‌تر (بیش از ۶ ماه) این جدایی مادر و کودک، صدمات واپس روی بازگشت ناپذیر

خواهد بود و در ساختار روانی کودک تأثیرات مخربی خواهد داشت. به هر حال در دوره‌ی دهانی دو منبع لذت بخش در کودک وجود دارد یکی تحریک لمسی که با گذاشتن اشیاء در دهان صورت می‌گیرد و دیگری گاز گرفتن است، به طوری که کودک از گاز گرفتن و جویدن لذت می‌برد و حالت تهاجم و تخریبی دارد و اگر در این مرحله کودک دچار ماندگاری و تثبیت شود ممکن است در آینده حالات بدبینی، عصبانیت و پرخاشگری نشان دهد.

این دوره با از شیر گرفتن کودک پایان می‌پذیرد. از شیر گرفتن کودک مهم‌ترین تعارض دوره‌ی دهانی به شمار می‌رود. هر اندازه ترک پستان مادر یا شیشه‌ی شیر و ترک لذت حاصل از مکیدن آن برای کودک مشکل‌تر باشد، مقدار لیبیدوی باقی‌مانده در مرحله‌ی دهانی بیش‌تر خواهد بود.

در مرحله‌ی دوم که مرحله‌ی مقعدی نام گرفته است سخن گفتن کودک نیز آغاز شده و کودک شروع به نشان دادن احساسات خود در رابطه با جدایی می‌کند. از طرفی کودک دارای احساس خود مختاری است و آنرا در زمینه‌ی کنترل اسفنگتر می‌توان دید. در این مرحله مخاط مقعد مرکز لذت می‌باشد و احساس دوگانه‌ی کودک در مورد دفع مدفوع یا نگهداری آن، توسط مادران تجربه و گزارش می‌شود. این احساس دوگانه‌ی نگهداری یا خروج مدفوع در ۲ تا ۳ سالگی می‌تواند رفتارهای چسبندگی و کنترل را ظاهر نماید. طبق نظریه‌ی روان‌کاوی در این مرحله حالت ستیزه‌گری و آزار رساندن به خود و دیگران در کودکان زیاد است و گاهی حالت تند و شدیدی به خود می‌گیرد.

در مرحله‌ی سوم که مرحله‌ی آلتی نامیده می‌شود کودک متوجه

آلت تناسلی خود می‌شود. کودک در سن ۳ تا ۶ سالگی رفتارهای جنسی بیش‌تری ظاهر می‌سازد. از تفاوت‌های ساختمانی بین دو جنس آگاه می‌شود و در مورد حاملگی، زایمان و مرگ کنجکاوی پیدا می‌کند. کنجکاوی‌های جنسی در این دوره بیش‌تر شده و مالش و دست‌کاری آلت جنسی و نوعی خود ارضائی در کودکان مشاهده و گزارش می‌شود.

معمولاً پس از این دوره یک دوره‌ی نهفته آغاز می‌شود و تقریباً یک نوع فراموشی نسبت به آن‌چه قبلاً جنبه‌ی جنسی داشته پدید می‌آید. از ۷ سالگی تا آغاز بلوغ، فعالیت‌های کودک بیش‌تر صرف زمینه‌هایی مثل فعالیت‌های درسی یا کوشش برای ساختن، بوجود آوردن و انجام دادن می‌شود و زمینه‌های رشد اجتماعی او فعال می‌گردد. اگرچه در همین دوره نیز احتمال کنجکاوی‌های جنسی و دست‌کاری خود و دیگران گزارش می‌شود و از طرفی کودک دبستانی یکی از اصلی‌ترین طعمه‌های افراد هم‌جنس‌باز یا آزارگر جنسی است.

رشد اجتماعی

در گوشه‌ای کوچک
دنیایی بزرگ می‌جویی
و اندیشه‌ات
جهانی را درآینه‌ای می‌گنجاند
ا. پ

در دوره‌ی پیش دبستانی دوستان و همبازی‌ها تأثیر بسزایی در رشد اجتماعی کودک دارند. کودک در رابطه با همبازی‌ها، از الگوهای رفتاری آموخته شده در خانواده پیروی می‌کند. بر اثر آمیزش با همسالان در مهدکودک و کودکستان و کوچه و بازار، کودک به تدریج پی می‌برد که برخی از آموخته‌ها، مناسب و مقبول نیستند و باید رفتارهای دیگری جایگزین آن‌ها شود.

مادر اولین سرچشمه برای فراگیری رفتارهای اجتماعی کودک است. کودکان پیش‌دبستانی بیش‌تر با هم‌جنس‌های خود دوست می‌شوند. کودکان این سن به اعضای خانواده وابستگی شدید دارند و از آن‌ها کمک و دلگرمی و آرامش خواسته و همواره و در همه جا می‌خواهند همراه آنان باشند. مادر کودک را به کسب استقلال تشویق می‌کند و انتظار دارد کودک هرچه زودتر شخصاً لباس بپوشد به تنهایی حمام برود، مشکلاتش را حل کند و مدتی خود را سرگرم سازد. مادرانی که رفتار ثابت با کودکان ندارند و هر بار رفتاری متفاوت نشان می‌دهند کودک را بیش‌تر با تعارض و تردید روبه‌رو می‌کنند. (امروز دختر خوب

خودش حمام می‌رود، فردا دختر خوب می‌گذارد مامانش او را به حمام ببرد).

پرورش اجتماعی فرایندی است که در طی آن معیارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای شخص شکل می‌گیرند.

«از لحظه‌ی تولد که نوزاد در یک پتو پیچیده می‌شود در گهواره یا کالسکه‌ی متحرک جای داده می‌شود، توسط مادری مهربان مواظبت شده یا بحال خود رها گشته تا گریه کند چون مادرش می‌ترسد که بچه لوس شود، پرورش اجتماعی آغاز می‌شود».

گروه‌ها و سازمان‌های مشخص در چهار چوب جامعه، در پرورش اجتماعی کودک نقش نهادی دارند. پدر و مادر، هم‌شیرها، همسالان و معلمان مقدار زیادی از وقت خود را صرف انتقال ارزش‌ها و همچنین راهنمایی و بهسازی رفتار کودکان می‌کنند.

برخی از سازمان‌ها مثل مدرسه و مسجد و مؤسسه‌های قانونی و حقوقی با این هدف به‌وجود آمده‌اند که علم، فرهنگ و معیارهای اخلاقی و اجتماعی آن را منتقل و رفتارهای ارزش‌مند فرهنگی را حفظ کنند.

رسانه‌های گروهی از جمله رادیو تلویزیون ماهواره و کامپیوتر، جریان بسیار قوی و نسبتاً جدیدی هستند افکار، خواسته‌ها و رفتارهای کودک در حال رشد را تحت تأثیری قرار می‌دهند.

اگر چه گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی بر فرایند پرورش اجتماعی تأثیر می‌گذارند اما غالباً خانواده به منزله‌ی با نفوذترین عامل پرورش اجتماعی کودک به شمار می‌رود.

می‌دانیم خانواده نظام پیچیده‌ای است که مستلزم کارکرد به هم

وابسته‌ی اعضای آن می‌باشد و ممکن است به واسطه‌ی تغییرات ساختاری یا رفتار یکی از اعضا، این کارکرد دچار دگرگونی شود. خود کودکان نیز در پرورش اجتماعی خود نقش فعالی دارند. آن‌ها بر اساس توانائی‌ها، خلق و خو، شخصیت و تجربه‌ی گذشته‌شان رفتار دیگران را به روشی خاص تعبیر می‌کنند و به آن پاسخ می‌دهند. کودکان سخت مزاج نسبت به نوازش یا سرزنش پدر و مادرشان در مقایسه با کودکانی که خلق و خوی آسانی دارند واکنشی بسیار متفاوت نشان می‌دهند. یا کاملاً امکان دارد که پدر و مادر در مقابل پسرشان که دارای سرشتی فعال، تحریک‌پذیر و پرتوقع می‌باشد از روش‌های شدید کنترل، به طور فزاینده استفاده کنند.

کنترل پرخاشگری یکی از ملاک‌های رشد اجتماعی است. کودک پرخاشگر دیگران را آزار می‌دهد، آن‌ها را کتک می‌زند، به دارایی دیگران آسیب می‌رساند در برابر درخواست اطرافیان پایداری می‌کند و به ناسزاگوئی می‌پردازد، پرخاشگری کودک چند علتی است و از آن جمله ناکام ماندن آرزوها و بی‌توجهی به کودک، محرومیت‌ها و ناراحتی‌های خانوادگی، تنبیه، بی‌ثباتی در روش‌های تربیتی، احساس گناه، ترس و طردشدگی را می‌توان نام برد.

کودکانی که به علت ترس از تنبیه، پرخاشگری خود را پنهان می‌سازند در بازی با وسایل و اسباب‌بازی آن را آشکار می‌سازند.

رقابت درست با دیگران یکی از ویژگی‌های رشد اجتماعی است. رقابت کودکان با یکدیگر تفاوت دارد. برخی به شدت رقابت می‌کنند، و عده‌ای رقابت را دوست ندارند. کودک گرایش به برتری بر دیگران را در